

پانوراما (۳)

فلسفۀ  
زندگی زناشویی



ادبیات جهان - ۱۵۷  
زمان - ۱۳۲

---

سرشناسه: بالزاک، اونوره دو، ۱۷۹۹-۱۸۵۰ م.  
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه زندگی زناشویی/اونوره دو بالزاک؛ ترجمه بنفشه فریس آبادی.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۹۶ص.  
فروست: پانوراما؛ ۳.  
ادبیات جهان؛ ۱۵۷. رمان؛ ۱۳۲  
شابک: ۲-۳۴۶-۲۷۸-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Philosophie de la vie conjugale, 2006.  
موضوع: زناشویی - فلسفه  
موضوع: Marriage--Philosophy  
شناسه افزوده: فریس آبادی، بنفشه، ۱۳۶۰ -، مترجم  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف۸ ب۲/۳۴۴ HQ  
رده‌بندی دیویی: ۶۴۶/۷۸  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۸۶۶۹۳۰

---

# فلسفه زندگی زناشویی



اونوره دو بالزاک  
ترجمه بنفشه فریس آبادی

انتشارات ققنوس  
تهران، ۱۳۹۶

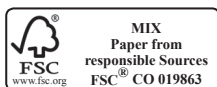
این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Philosophie de la vie conjugale*

**Honoré de Balzac**

Gallimard, 2006

(متن از زبان اصلی برگردانده شده است.)



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\*\*\*

اونوره دو بالزاک

فلسفه زندگی زنانجویی

ترجمه بنفشه فریس آبادی

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

اسفندماه ۱۳۹۶

چاپ پژمان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۲ - ۳۴۶ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISSN: 978-600-278-346-2

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۷۰۰۰ تومان

## فهرست

- یادداشت ناشر ..... ۷
- درباره نویسنده ..... ۹
۱. گرمای پاییزه زندگی زناشویی ..... ۱۳
۲. کار اجباری ..... ۲۱
۳. لبخندهای زورکی ..... ۳۱
۴. تحلیل و توصیف مرض «ویلا» ..... ۳۹
۵. فلاکت در فلاکت ..... ۴۷
۶. کودتای هجدهم برومیر زوجین ..... ۵۵
۷. هنر قربانی بودن ..... ۶۵
۸. پایان امپراتوری اول ..... ۷۳
۹. تکنوازی نعلش کش ..... ۸۱
۱۰. جایی که آن را فلیچیتای پایان اُپرا و حتی پایان زندگی  
مشترک می نامند ..... ۸۹



## یادداشت ناشر

دانشجویی که سال‌ها پیش از قیمت بالای کتاب به تنگ آمده بود و آرزوی داشتن کتابخانه شخصی لحظه‌ای دست از سرش برنمی‌داشت، هرگز فکرش را هم نمی‌کرد ایده‌اش بعدها به مجموعه‌ای ارزشمند تبدیل شود؛ مجموعه‌ای که حالا پس از گذشت یک دهه و اندی تعداد عناوینش به عدد پانصد نزدیک شده است. آن دانشجوی بی‌پول علاقه‌مند به ادبیات ناامید نشد و شروع کرد به خریدن کتاب‌های جیبی کم‌حجم و ارزان‌قیمت انتشارات گالیمار و چیدن باریکه‌های سفید یک‌شکل و یک‌اندازه کنار هم. به این ترتیب او پایه‌گذار مجموعه‌ای شد به نام Folio 2€؛ مجموعه‌ای متشکل از تک‌داستان، مجموعه داستان یا بخش‌هایی از شاهکارهای ادبی جهان با قیمتی اندک. هدف این مجموعه خلاصه شده بود در قرار دادن داستان‌ها یا رمان‌های کوتاه یا بخش‌هایی از رمان‌های چندجلدی و گرانبها در دسترس همگان با این امید که خواننده، پس از مطالعه قطعه یا داستان‌های انتخاب‌شده، برای خواندن دیگر آثار نویسنده اشتیاق پیدا کند. اریک فیتوسی از کتابفروش‌های لیون ادعا کرده که بارها پیش آمده خواننده‌ای پس از خرید یکی از کتاب‌های این مجموعه، بازگشته، تشکر کرده و دیگر آثار نویسنده مورد نظر را خریده است. ناگفته نماند این طرح مخالفانی نیز داشته که مدعی بوده‌اند ممکن است کسی با خواندن بخش‌های انتخاب‌شده از یک رمان، دیگر سراغ اصل اثر نرود و مطالعه

تک‌داستان‌ها ممکن است میل خواندن مجموعه آثار نویسنده را در مخاطب از بین ببرد. پاسخ آن‌ها چیزی نبود جز: «خواندن گزیده‌ای از آثار به مراتب بهتر از نخواندن آن‌هاست.»

از سوی دیگر، به‌رغم ضرباهنگ سریع زندگی امروز، اوقات ما پر است از فراغت‌های کوتاه و فرصت‌های طلایی. اتاق انتظار پزشک و صف بانک و وقت‌هایی که توی تاکسی و مترو می‌گذرانیم، می‌تواند وقف سرک کشیدن از پنجره‌ای کوچک به جهان عجیب شاهکارهای ادبی شود. نیز، بارها اتفاق افتاده که تلاش کرده‌ایم مطالعه‌ی یکی از این شاهکارها را آغاز کنیم اما به دلیل هیبت اثر، نداشتن زمان کافی یا همگام نشدن با حال و هوای داستان از این کار بازمانده‌ایم. در این مواقع دسترسی به گزیده‌ای خوشخوان و مناسب می‌تواند جرئت و شوق مطالعه‌ی آثاری را که خواندنش کاری شاق به نظر می‌رسید در ما برانگیزد. گروه انتشاراتی ققنوس، پس از تجزیه و تحلیل اهداف مجموعهٔ Folio 26، تصمیم گرفت امکان کسب چنین تجربه‌ای را برای مخاطبان ایرانی نیز فراهم کند. پس، انتشارات گالیمار را از تصمیم خود مطلع ساخت و چندوچون گرفتن کپی‌رایت آثار را جویا شد. ناشر فرانسوی علاقهٔ بسیاری به انتشار این مجموعه در ایران نشان داد؛ اما از آن‌جا که بعضی آثار به نویسندگان غیرفرانسوی تعلق دارند و از زمان مرگ بعضی‌شان بیش از پنجاه سال گذشته، خود را تنها مسئول واگذاری حق نشر نویسندگان معاصر فرانسوی معرفی کرد. نام مجموعه را نیز در انحصار خود دانست و اجازه نداد این مجموعه با همان نام منتشر شود. بنابراین ناشر این مجموعه را با عنوان پانوراما تقدیم مخاطبان می‌کند و تصمیم دارد جدا از گرفتن اجازهٔ انتشار آثار معاصر فرانسوی، کتاب‌های دیگری نیز به این مجموعه اضافه کند. هدف این مجموعه چیزی نیست جز همان جملهٔ معروف: «خواندن گزیده‌ای از آثار به مراتب بهتر از نخواندن آن‌هاست.»



## درباره نویسنده

اونوره دو بالزاک در ۲۰ مه ۱۷۹۹ در شهر تور فرانسه به دنیا آمد. مادرش از طبقه بورژوازی پاریس و پدرش پیش از آنکه منشی شورای سلطنتی شود، مسئولیت منشیگری دادستانی را عهده‌دار بود. یک سال بعد از تولد او، خواهرش لور، که معتمدترین دوست و نزدیک‌ترین فرد به بالزاک بود، به دنیا آمد. در سال ۱۸۱۴، خانواده بالزاک به پاریس نقل مکان کرد. اونوره جوان پیش از آنکه در سمت منشی محضردار مشغول به کار شود، تحصیل در رشته حقوق را آغاز کرد. اما از سال ۱۸۱۹ تغییر شغل داد، در یک اتاق کوچک زیرشیروانی در خیابان لِدیگِر ساکن شد و تصمیم گرفت خود را وقف نوشتن کند. نخستین نوشته‌های ادبی او با عناوین مختلفی چاپ شدند. در سال‌های بعد، ضمن رابطه با لور دوپرنی، دوشیس ابرانتیس — زنی که بیست و دو سال از بالزاک بزرگ‌تر و تا پایان عمر از نزدیکان او بود — با هنرمندان همعصرش، کسانی مانند اوژن دولاکروئا، ملاقات و معاشرت کرد. پس از آزمون خود در زمینه نشر و چاپ کتاب، بدون کسب موفقیتی چشمگیر (و همچنین با بدهی فراوان!)، در سال ۱۸۲۹ دوباره دست به قلم شد و دو رمان منتشر کرد: آخرین شوآن یا بریتانیا در سال ۱۸۰۰ (که بعدها تنها با عنوان شوآن‌ها شناخته شد) و فیزیولوژی ازدواج. از

آن زمان به بعد، آثار متعددی از او چاپ شدند: خطرهای سوء رفتار که بعدها با عنوان گوپسک تجدید چاپ شد و آغازگر پرداختن به مفهوم چرخه پول بود، مطالعه درباره زن، تجارتخانه گربه توپ باز، سارازین، شاهکار گمنام، چرم ساغری، مسافرخانه سرخ، استاد کورنلیوس و ... در کنار تولیدات متعدد و چشمگیر ادبی، زندگی اجتماعی بالزاک نیز به دلیل رفت و آمدهای زیاد در جوامع ادبی پاریس و همکاری با نشریات متعدد، بسیار پر جنب و جوش می گذشت. او که همیشه در کمین پروژه های تازه و به دنبال کسب ثروت بود، مدام به واسطه سرمایه گذاری هایش تا آستانه ورشکستگی پیش می رفت. در سال ۱۸۳۱ بالزاک داستان چرم ساغری و دوازده داستان دیگر را در یک مجموعه سه جلدی با عنوان رمانها و داستانهای فلسفی جمع آوری و چاپ کرد. با توفیل گوتیه آشنا شد، به الپ پلیسیه، که بعدها با روسینی ازدواج کرد، دل باخت و اواخر سال ۱۸۳۳ اوژنی گراند و کشیش تور را نوشت. چند ماه بعد با زن اسرار آمیزی که برایش نامه های سرشار از تحسین و ستایش می فرستاد و همه آنها را با اسم «غریبه» امضا می کرد آشنا شد. این زن او آنسکا کتس لهستانی بود که پس از آشنایی، معشوقه بالزاک شد. سپس زنی دره را منتشر کرد و دست به کار نوشتن سزار بیروتو و آرزوهای بر باد رفته شد و برای اثری که پس از خلق کمدی انسانی نامیدش، با مؤسسه انتشاراتی فورن قرارداد بست. هفده جلد این اثر بین سالهای ۱۸۴۲ و ۱۸۴۸ منتشر شد. در سال ۱۸۴۳ برای پیوستن به او آنسکا که حالا دیگر بیوه شده بود، برای نخستین بار به سن پترزبورگ رفت و پیش از آن که در سال ۱۸۵۰ با او ازدواج کند، بارها برای دیدنش به روسیه سفر کرد. چند ماه پس از ازدواج، در ۱۸ اوت ۱۸۵۰، بالزاک که دیگر بیمار و ناتوان شده بود، در خیابان فورتونه که امروز بالزاک نام دارد از دنیا رفت. در مراسم تشییعش ویکتور هوگو در مدح و تحسین او سخنرانی کرد. اونوره دو بالزاک در گورستان پرلاشز دفن شد.

دربارۀ نویسنده ♦ ۱۱

این رمان بخشی از جلد دوم کتاب داستان‌ها و حکایات<sup>۱</sup> است، شامل آثار بالزاک بین سال‌های ۱۸۳۲ و ۱۸۵۰، که نشر گالیمار آن را منتشر کرده است.





## گرمای پاییزه زندگی زناشویی<sup>۱</sup>

پس از رسیدن به سطح مشخصی در عرض یا طول جغرافیایی در اقیانوس زندگی زناشویی، دردی مزمن و متناوب که کمی هم به دندان درد شبیه است، نمایان می‌شود...

به گمانم همین‌جا جلو مرا بگیرید و بگویید: «چطور می‌توان این سطح را در دریای زندگی مشترک بالاتر برد؟ شوهر چطور هنگام کشتیرانی می‌فهمد که به این نقطه رسیده است؟ آیا می‌توان مانع اصابت کشتی به صخره شد یا نه؟»

می‌دانید، نه لزوماً پس از ده سال زندگی مشترک، که ممکن است تنها پس از ده ماه به این نقطه برسید. این موضوع به حرکت کشتی، میزان باری که حمل می‌کند، بادهای موسمی، قدرت جریان آب و به‌ویژه ترکیب و چیدمان تجهیزات و خدمه کشتی بستگی دارد. اما خب! زندگی زناشویی یک مزیت هم دارد؛ ملوان‌ها تنها

---

۱. در این‌جا از اصطلاح l'été de la Saint-Martin استفاده شده است به معنای گرم شدن دوباره هوا برای دوره کوتاهی در ماه نوامبر. این اصطلاح به معنای واپسین دوره پویایی، لذت، جوانی و عشق پیش از کهولت و از کارافتادگی نیز به کار می‌رود؛ واپسین گرمای لذت‌بخش سال، پیش از فرارسیدن زمستان. — م.

از یک راه می‌توانند کشف کنند که به نقطه مورد بحث رسیده‌اند یا نه، در حالی که شوهرها برای فهم این موضوع هزاران راه دارند. مثال: کارولین، که پیش از این غزال زیبا و جواهر گرانبهای شما بود و حالا تبدیل شده فقط به زنِ شما، هنگام گردش در خیابان بیش از پیش خود را به بازویتان می‌چسباند یا، برعکس، فکر می‌کند اگر دست در بازویتان نیندازد، باوقارتر جلوه خواهد کرد؛

یا، به مردهای کم و بیش جوان و کم و بیش خوش‌لباس توجه می‌کند، در حالی که سابق بر این هیچ مرد دیگری را نمی‌دید. حتی زمانی که بلواز سیاه از کلاه‌های مردانه بود و بیش از هر صدایی، صدای ضربه پوتین‌های آقایان کف خیابان شنیده می‌شد؛

یا، زمانی که به خانه می‌آیید، می‌گوید: «کسی نیست، موسیو آمده!» در حالی که پیش از این با حالت، نگاه یا لحنی که موجب می‌شد کسانی که دوستش دارند با خود بگویند: بالاخره یک آدم خوشبخت دیدیم، می‌گفت: «آه! آدولف است!»

این فریاد از سر شادی زنان در دو حالت شنیده می‌شود: یکی زمانی که صادقانه رفتار می‌کنند، دیگری زمانی که با گفتن جمله‌ای مثل «آه! آدولف است!» قصد ریاکاری و چاپلوسی دارند. وقتی زنتان می‌گوید: «کسی نیست، موسیو آمده!» به آن معناست که او دیگر تصمیم ندارد مرحمت کرده و نمایش بازی کند؛

یا، اگر دیرتر از ساعت معمول به خانه بیایید (مثلاً یازده یا دوازده شب)، زنتان ... در حال خروپف کردن است! چه علامت زشتی! ...

یا، زمانی که زنتان جوراب‌شلواری‌اش را در حضور شما می‌پوشد... (در زندگی هر بانوی متشخصی تنها یک بار ممکن است این اتفاق بیفتد. فردای آن روز او همراه یک کاپیتان که ممکن است هر کسی باشد، خانه را به قصد سفری قاره‌ای ترک می‌کند و دیگر به پوشیدن جوراب‌شلواری فکر هم نمی‌کند.)

یا... خب، بهتر است همین جا دست نگه داریم.  
آنچه گفته شد اشاره به ملوانان یا شوهرهایی دارد که با دانش  
زمان<sup>۱</sup> مانوس اند.

این بخش از کتاب با عنوانی که یادآور نشانه‌های نواحی  
گرمسیری است و موجب می‌شود هر انسان باذوقی فکر شوخی  
مبتذل و ناشایست با این اثر معنوی را از سر بیرون کند؛ نیز به فلاکتی  
ریزاندام و وحشتناک اشاره می‌کند. بلایی که زیرکانه خرمگس زندگی  
مشترک نامیده می‌شود. خرمگس از میان تمام هم‌خانواده‌هایش نظیر  
پشه، عنکبوت، کک و عقرب، اعصاب‌خردکن‌ترین است و هیچ  
توری و پشه‌بندی نمی‌تواند انسان را از گزند آن مصون نگاه دارد.  
خرمگس شما را بلافاصله نمی‌گزد، بلکه ابتدا دم گوشتان وزوز  
می‌کند و در این مرحله هنوز نمی‌دانید جریان از چه قرار است. به  
این ترتیب است که کارولین، بی هیچ هدفی، با طبیعی‌ترین لحن  
ممکن می‌گوید: «دیروز مادام دِشار پیراهن زیبایی پوشیده بود.»  
آدولف می‌گوید: «زن باسلیقه‌ای است.» کارولین جواب می‌دهد:  
«شوهرش پیراهن را برایش خریده.» «آه! واقعاً؟» «بله، یک پیراهن  
چهارصدفرانکی! از مرغوب‌ترین و گرانقیمت‌ترین نوع مخمل...»  
آدولف در حالی که قیافه توماس حواری<sup>۲</sup> را به خود می‌گیرد،  
فریاد می‌زند: «چهارصد فرانک؟!» «البته دو نوار پارچه‌ای اضافی  
و یک نیم‌تنه هم همراه پیراهن است...» آدولف به شوخ‌طبعی

---

۱. کتابی که نسخه اول آن در سال ۱۶۷۹ در پاریس منتشر شد و هنوز هم در بازار  
موجود است. این کتاب جدولی دارد مربوط به ستاره‌ها و سیارات و برای منجمان و  
جهت بالا بردن سطح دانش آن‌ها در مورد منظومه شمسی و کره زمین نوشته شده  
است. در این کتاب اطلاعاتی درباره طلوع و غروب ماه، خورشید و سیارات دیگر  
یافت می‌شود.

۲. از حواریون مسیح که بیشتر به دلیل شک و تردیدش در مورد زنده شدن مسیح  
معروف است. — م.